

سازمان‌های مردم‌نهاد و دگرگونی سیاسی در آسیای مرکزی:

(مطالعه موردی: انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان)

جهانگیر کرمی*

دانشیار گروه مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران

طاهره دلیران چاپشلو

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۶/۱۷ ° تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۲/۲۹)

چکیده

انقلاب رنگی دگرگونی جدیدی در عرصه سیاست است که در دهه پایانی قرن بیستم از کشورهای اروپای شرقی آغاز و در دهه نخست قرن بیست و یکم به جمهوری‌های نواستقلال اتحاد شوروی تسری یافته است. از عوامل مؤثر در چنین رخدادی، وجود کشورهای بزرگی است که برای رسیدن به هدف‌های خود از فقر موجود در این کشورها استفاده کرده‌اند و می‌خواهند از کمک‌های مالی به‌عنوان حربه‌ای برای نفوذ بیشتر خود، بیشترین استفاده را ببرند. پرسش اصلی این نوشتار با کمک روش همبستگی متغیرها، این است که سازمان‌های مردم‌نهاد چگونه بر انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان تأثیر گذاشته‌اند؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که سازمان‌های مردم‌نهاد از راه آگاهی‌بخشی به جوانان، بر انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان تأثیر مستقیم و مؤثر گذاشته‌اند. گردآوری اطلاعات این نوشتار از راه کتابخانه‌ای، اسنادی و اینترنتی است. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که سازمان‌های مردم‌نهاد در این کشورها با دزدست‌گرفتن رسانه‌ها، تبض افکار عمومی جامعه را در دست می‌گیرند و تلاش می‌کنند تا همه چیز را بزرگ‌تر از آنچه هست، نشان دهند و از این راه به منافع خود دست یابند.

کلیدواژه‌ها

انقلاب، انقلاب رنگی، جنگ نرم، سازمان‌های مردم‌نهاد، قرقیزستان.

مقدمه

انقلاب‌های رنگی در کشورهای واقع در قلمروی نفوذ اتحاد شوروی رخ داده‌اند. در دوره جنگ سرد، اتحاد شوروی در محاصره دولت‌های دوست ایالات متحده آمریکا قرار داشت. پس از تجزیه اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، آمریکا از یک سو و فدراسیون روسیه و چین از دیگر سو، برای سلطه نظامی، سیاسی و اقتصادی در حوزه‌های اتحاد شوروی که اکنون در حلقه دوم و یا حلقه بیرونی قلمروی روسیه قرار داشتند، با یکدیگر در ستیز قرار گرفتند. وجه مشترک تمام این انقلاب‌ها، مبارزه منفی است که برضد حکومت‌هایی که خود را متعصب و دیکتاتوری نشان داده‌اند، به کار گرفته می‌شود. در تمام انقلاب‌ها از یک رنگ یا گل خاص به عنوان نماد استفاده شده است و به دنبال برگزاری انتخابات بحث‌برانگیز، مخالفت‌های گسترده خیابانی منجر به برکناری، سقوط یا فرار رهبرانی شدند که از سوی مخالفان، دیکتاتور شناخته شده بودند. در مرحله نخست مخالفت‌ها، انقلاب لاله در جمهوری قرقیزستان در رسانه‌ها با نام‌های «صورتی»، «لیمویی»، «ابریشمی»، «نرگس»، «سنبل» یا «لاله» گزارش می‌شد. مخالفت‌ها در پی انتخابات مجلس بحث‌برانگیز سال ۲۰۰۵، به وجود آمدند. مخالفان در نواحی مختلف، رنگ‌های متفاوتی را برای تظاهرات انتخاب کردند که بیشتر آن‌ها صورتی و زرد بود. تمامی این تحرکات از سوی کل کل، سازمان مقاومت جوانان حمایت می‌شد. برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه‌های مربوط به زنان، مردم‌سالاری و حقوق بشر نیز به این حرکت کمک می‌کردند. دو روزنامه ام‌اس‌ان^۲ و جمهورییت^۳ نیز همپای رادیو «آزادی» به انقلاب کمک می‌کردند. به دنبال انقلاب، رئیس‌جمهور (عسگر آقایف)^۴ از کشور فرار کرد. مدتی بعد، استعفای خود را در حضور هیئت نمایندگی مجلس قرقیزستان در مسکو امضا کرد (کولایی، ۱۳۸۴: ۱۵۹).

چارچوب مفهومی و نظری

دگرگونی سیاسی در جوامع مدرن و ساختارهای به شدت در حال تخصصی شدن یک کارکرد واحد داشتند. دگرگونی سیاسی حرکتی از سیاست سنتی به سوی نظام نوین سیاسی است.

1. Kelkel
2. ya Stolitsa-Novosti (MSN)
3. P spublika
4. Askar Akayev

دگرگونی، هم در ساختار و هم در فرهنگ بروز می‌کند (کلایواسمیت، ۱۳۸۰: ۱۶۳). دگرگونی سیاسی امکان دارد از راه سه عامل نظام سیاسی (نخبگان)، گروه‌های مختلف اجتماعی در محیط داخلی و از سوی نظام‌های سیاسی در محیط بین‌المللی صورت گیرد. معمولاً این سه شاخص به‌نوعی در کنش متقابل با یکدیگرند (قوم، ۱۳۷۴: ۷۱-۷۲). ساموئل هانتینگتون ۱ مسئله اصلی جوامع در حال‌گذار را نبود حکومت‌های باثبات و نظام‌های سیاسی نهادمند می‌داند. او استدلال می‌کند که جریان نوسازی اقتصادی و اجتماعی در این جوامع موجب پیدایش گروه‌های اجتماعی جدیدی می‌شود که خواستار حضور در عرصه سیاست هستند؛ اما کندی نوسازی سیاسی در این جوامع فرصت‌ها و نهادهای لازم برای همکاری این گروه‌ها در عرصه سیاست را فراهم نمی‌کند. بنابراین، این وضعیت در این جوامع سبب بروز کشمکش‌های سیاسی خشونت‌آمیز می‌شود. به‌نظر هانتینگتون رخداد انقلاب‌ها در جوامع در حال‌گذار در همین مسائل و کشمکش‌ها ریشه دارد (ساعی، ۱۳۸۵: ۱۹۵-۱۹۸).

پس از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ و شعار معروف آن «برابری، برادری و آزادی» تعریف ماهوی و نوع نگرش به انقلاب‌ها نیز دچار تحول و دگرگونی شد. معنای لغوی انقلاب «برگشتن، برگشتن از حالی به حال دیگر، دگرگون شدن، آشوب و شورش» است (عمید، ۱۳۷۳: ۲۱۰). در معنای اصطلاحی، انقلاب به‌گونه‌ای از کنش سیاسی جمعی و توده‌ای گفته می‌شود که در قالب منازعه‌ای خشونت‌آمیز برای به‌دست‌گرفتن قدرت دولتی در درون واحد سیاسی مستقلی شکل می‌گیرد و در جریان آن، گروه‌های خارج از حکومت به بسیج توده‌ها دست می‌زنند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۹۳). انقلاب رنگی یا مخملی به تغییرهای حاکمیتی و بی‌ثباتی‌های سیاسی گفته می‌شود که با استفاده از راهبردها و تاکتیک‌های نرم‌افزارانه، مبارزات غیرخشونت‌آمیزی را علیه حکومت‌هایی که خود را مستبد و دیکتاتور نشان داده‌اند، هدایت کردند و نوعی جابجایی رادیکال را پدید آورده است. در این تحولات نیروهای داخلی و خارجی با هم پیوند خورده و انقلابی مردم‌سالار و بدون خونریزی را متفاوت با سایر جنبش‌های اجتماعی ایجاد کرده‌اند. انقلاب‌های رنگی در واقع از پیامدهای توزیع قدرت و ثروت نسبی در میان نخبگان بود (Derluquian, 2010: 5). همه انقلاب‌های رنگی که بین سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۳ روی داد، ترکیبی از وجود پنج عامل نگرش نخبگان کنونی، فشرده‌گی

مخالفتان، سطح نفوذ خارجیان، فعالیت و ارتباط جامعه مدنی و نگرش مردم در آن کشورها است (Polese, 2008: 5).

در چنین فضایی، رسانه‌ها نقش تهییج افکار عمومی را بر عهده دارند. افکار عمومی را می‌توان اصلی‌ترین مجمع و مرکز برای براندازی عملی نظام سیاسی دانست. نهادهای اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نقش سازمان‌دهنده گروه‌های اجتماعی را در شرایط بحران ایفا کنند (متقی، ۱۳۸۹: ۲۱-۱۴). این رسانه‌ها می‌توانند ایجادکننده «شرایط روان‌پریشی جمعی» باشند. روان‌شناسان بر این باورند که شکل‌گیری چنین شرایطی، ناشی از گسترش فضای بی‌اخلاقی در جامعه است. در این فضا، اعتماد جامعه به اقدامات، هنجارها و مشروعیت حکومت کاهش می‌یابد و از هر ابزاری برای مقابله با این دولت بهره می‌گیرند (متقی، ۱۳۸۹: ۱۴۱-۱۳۰). محتوای اصلی انقلاب رنگی دستیابی به موفقیت از راه تثبیت حاکمیت مستبدانه به نظام سیاسی مردم‌سالارانه تصور می‌شد که پایه‌های حمایتش را از راه انتخابات آزاد و عادلانه‌تر تحکیم بخشید (Baev, 2011: 6). در یک مدل انقلابی، زمانی که تقلب انتخاباتی روی دهد با استفاده از نارضایتی ایجادشده برای بسیج جامعه تلاش می‌کنند تا بتوانند تغییر اساسی در رهبری سیاسی ایجاد کنند (Spirova, 2008: 79). در واقع اساس موجودیت و کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد به بسیج داوطلبانه کمک‌های اجتماعی وابسته است (اطه‌ری، ۱۳۸۱: ۲۲۲).

یکی از پرسش‌هایی که معمولاً در مورد سازمان‌های مردم‌نهاد مطرح می‌شود این است که چه تفاوتی میان این سازمان‌ها و گروه‌های فعال سیاسی وجود دارد؟ (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۶: ۱۴). هاری‌بلز معتقد است که سازمان‌های مردم‌نهاد بر هدف‌های عمومی بیش از هدف‌های خصوصی تأکید می‌کنند و اینها را گروه‌های داوطلبانه‌ای می‌داند که با تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت، هدف‌های دیگری بجز «کسب سود» دارند. شرکت‌های خصوصی به دنبال سود و احزاب سیاسی در پی به‌دست‌گرفتن قدرت سیاسی هستند. درحالی که هدف سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند تأثیرگذاری بر دولت، به‌دست‌آوردن سود شخصی نیست. با اینکه تمامی سازمان‌های جامعه مدنی، سازمان‌های مردم‌نهاد محسوب می‌شوند، همه سازمان‌های مردم‌نهاد جزء سازمان‌های جامعه مدنی به حساب نمی‌آیند. یک سازمان مردم‌نهاد تنها زمانی در شمار سازمان‌های جامعه مدنی به حساب می‌آید که سیاست‌های حمایتی را در برنامه‌های خود بگنجانند. همچنین یک سازمان جامعه مدنی در صورتی می‌تواند یک سازمان

مردم‌نهاد باشد که فعالیت‌های حمایتی آن فقط بر خدمت‌رسانی متمرکز شود (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۳). سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی در مسیر انجام فعالیت‌های خود با محدودیت‌ها و موانع و مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند. مهم‌ترین این مشکلات عبارتند از:

نبود همکاری و حتی کارشکنی دولت‌ها، مشکلات مالی و وابستگی مالی به اشخاص حقیقی و حقوقی، مدیریت مالی نامناسب نیز مانع مهم‌تری نسبت به کمبود مالی است، تأثیرپذیری از روابط قدرت در صحنه بین‌المللی و ورود به بازی‌های سیاسی که سرانجام منجر به به‌کارگیری رویکردهای دوگانه و پیروی از استانداردهای متفاوت در برخورد با کشورها می‌شود (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۴).

انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان

در اواخر فوریه ۲۰۰۵ و در جریان برگزاری انتخابات مجلس جمهوری قرقیزستان، تعداد زیادی از نامزدهای مستقل و نامزدهای گروه‌های مخالف، رد صلاحیت شدند و از امکان شرکت در انتخابات محروم شدند. در این میان با وجود اطمینان‌های دولت قرقیزستان برای برگزاری انتخاباتی آزاد و به‌دور از هر گونه فساد، دخالت دولت، دستکاری و تقلب آرا، با این حال از گوشه و کنار جمهوری قرقیزستان، مخالفت‌هایی شروع شد و در جریان آن، مردم به روند ناسالم انتخاباتی معترض شدند. مخالفان باور داشتند که طرفداران عسگر آقایف علاوه بر اینکه می‌خواهند تا آرای بیشتر مجلس را به‌دست گیرند، درحال تلاش برای اختصاص دو کرسی از کرسی‌های مجلس به دختر و پسر عسگر آقایف هستند تا به این ترتیب راه را برای اصلاح قانون اساسی و امکان ابقای عسگر آقایف در مقام ریاست جمهوری فراهم سازند. از این‌رو، انتخابات مجلس که مقدمه‌ای برای انتخابات ریاست جمهوری در اکتبر ۲۰۰۵ بود با اعتراض مخالفان در برخی از شهرهای مهم جنوبی جمهوری قرقیزستان مانند «اوش» و «جلال‌آباد» که همواره به به‌کارگیری تبعیض علیه خود معترض بودند، روبه‌رو شد و به تدریج به پایتخت جمهوری قرقیزستان نیز سرایت کرد (Tucker, 2007: 538).

همچنین افرادی مانند رزا آتانبایوا^۱ رهبر مخالفان، وزیر پیشین امور خارجه (مدتکن شیرم‌قلوف)^۱ و رئیس پیشین مجلس نیز اعتراض کردند. ضمن آنکه اعتراض طرفداران جنبش

1. Rosa Tanbayva

آتایورت^۲ نسبت به رد صلاحیت رزا آتانبایوا، رهبر این جنبش برای شرکت در انتخابات مجلس، به برپا کردن دو چادر در برابر ساختمان مجلس و به تن کردن لباس‌های نارنجی و قرمز انجامید. با وجود بروز مخالفت‌ها، مردم جمهوری قرقیزستان در ۲۷ فوریه ۲۰۰۵ برای انتخاب نمایندگان مجلس این کشور به پای صندوق‌های رأی رفتند. در این انتخابات که حدود ۴۰۰ کانیدیدا برای به‌دست آوردن ۷۵ کرسی مجلس رقابت کردند، احزاب مخالف، امید زیادی برای به‌دست آوردن یک‌سوم کرسی‌ها را داشتند. اعتراض معترضان که با اعلام نتیجه انتخابات در فوریه ۲۰۰۵، ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده بود، با برگزاری دور دوم انتخابات در ۱۳ مارس، شکل تازه و خشونت‌آمیزی به خود گرفت. در جریان آن، چند ساختمان دولتی و پاسگاه پلیس به تصرف تظاهرکنندگان درآمد. در این میان و در مقابل اتهامات مخالفان به دولت، عسگر آقایف استدلال کرد که «مخالفان فقط به‌دنبال متنی از پیش نوشته شده، هستند که در دوره پیشین در اوکراین و گرجستان پیاده شده است تا به یک انقلاب مخملی برسند». مخالفان با رد درخواست رئیس‌جمهور مبنی بر گفت‌وگو، به بی‌نظمی و شورش‌های گسترده دست زدند که سرانجام به غارت بسیار در پایتخت و از کنترل خارج شدن اوضاع منجر شد.

ناآرامی در بیشکک با اجتماع جمعیتی که بین هزار تا چهار هزار نفر تخمین زده می‌شد، در بامداد روز ۲۴ مارس در یکی از میدان‌های پایتخت آغاز شد. درحالی که به سرعت بر تعداد تظاهرکنندگان افزوده می‌شد، آن‌ها با شعارهایی که رییس‌جمهوری را به تقلب در انتخابات متهم می‌کردند، خواستار کناره‌گیری عسگر آقایف شدند و راهپیمایی خود را به سوی مراکز دولتی ادامه دادند. به شکلی که اعتراضات در بیشکک، رویه‌ای خشونت‌آمیز پیدا کرد و با حمله به ساختمان ریاست جمهوری به آخرین مراحل خود رسید. سرانجام تصرف کاخ سفید رنگ ریاست جمهوری، تمامی اداره‌ها و نهادهای دولتی از سوی مخالفان، تسخیر ساختمان رادیو و تلویزیون و دستگیری وزیران دفاع و امنیت ملی، شرایط را بحرانی کرد و دولت قرقیزستان را در آستانه فروپاشی قرار داد. با فرار عسگر آقایف به فدراسیون روسیه در ۲۴ مارس ۲۰۰۵ و

1. Medetkan Sherimkulov
2. Atayurt Movement

پذیرش استعفای وی از سوی مجلس، بر حکومت پانزده ساله وی بر جمهوری قرقیزستان مهر پایانی زده شد.

بازیگران مؤثر در انقلاب‌های رنگی

«فلیکس کولوف»، «کورمان بیک‌باقی‌اف» و «رزا آتانبایوا» از مهم‌ترین نخبگان مخالف در جمهوری قرقیزستان بودند. کورمان بیک‌باقی‌اف در کابینه عسگر آقایف نخست‌وزیر و رزا آتانبایوا وزیر امور خارجه بود. فلیکس کولوف در دهه ۱۹۹۰، محبوب‌ترین حزب سیاسی مخالف دولت را پایه‌گذاری کرد و تا سال ۲۰۰۲ که به اتهام اختلاس محاکمه و زندانی شد، رهبری این حزب را بر عهده داشت. سازمان‌های مردم‌نهاد به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد فراملی با حمایت مالی و آموزش مخالفان، یکی از مهم‌ترین بازیگران انقلاب‌های رنگی هستند (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۲۰۱-۱۹۸). واشنگتن برای تغییر رژیم در سال ۲۰۰۵ منابع مالی را برای سازمان‌های مردم‌نهاد خانه آزادی، مؤسسه آلبرت انیشتین و بنیاد ملی برای دموکراسی در لیست معمول خود قرار داد (Engdahl: 2010: 2).

این سازمان‌ها با سازماندهی مناسب و پشتیبانی مالی، ابزاری و تبلیغاتی از جنبش‌های دانشجویی و احزاب سیاسی مخالف، به‌شکل عملی راه پیروزی انقلاب‌های رنگی را هموار کردند. نقش‌آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد وابسته به غرب در انقلاب‌های رنگی و فعالیت آن‌ها در سایر کشورهای نواستقلال سبب شد (بهمن، ۱۳۸۸: ۲۱۱) که به‌دنبال انقلاب‌های رنگی، سازمان‌های مردم‌نهاد به‌شدت سرکوب شوند (Kennedy, 2009: 21). احزاب سیاسی و جنبش‌های دانشجویی از دیگر بازیگران مهم عرصه انقلاب‌های رنگی هستند (بهمن، ۱۳۸۸: ۲۱۲).

عوامل رخداد انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، هر رویدادی به‌دلایلی مرتبط است. در اینجا تلاش کردیم تا مجموعه‌ای از دلایل وقوع انقلاب رنگی را در دو قالب داخلی و خارجی بیان کنیم:

۱. بسترها و زمینه‌های داخلی

نخستین و مهم‌ترین زمینه داخلی «انقلاب لاله‌ای جمهوری قرقیزستان» به قول باهادرا کومار^۱ روحی از گذشته جدال‌آمیز بود که استالین در دهه ۱۹۲۰ به زور در آن ناحیه به حرکت درآورد و جمهوری قرقیزستان را به شکل شمال- جنوب ظاهر ساخت و یک پرسش مشکل را پدید آورد که مرزهای واقعی جمهوری قرقیزستان تا کجا است؟ هر چند عسگر آقایف برای تشکیل یک هویت ملی مختلط تلاش زیادی انجام داد، گسترش شعارهای ملی‌گرایی، از یک‌های جمهوری قرقیزستان را به پیگیری مسائل قومی خود هدایت می‌کرد؛ به‌ویژه که در دوران حکومت عسگر آقایف بیشتر منابع، امکانات و پست‌های کشور در اختیار شمالی‌ها قرار گرفت و یک احساس محرومیت اقتصادی و سیاسی در جنوب ایجاد شده بود (ملکووتیان، ۱۳۸۶: ۲۵۱). فسادهای سیاسی و اقتصادی از دیگر زمینه‌های داخلی حرکت «انقلاب لاله‌ای» بود. عسگر آقایف برخلاف قانون اساسی سال ۱۹۹۳ که براساس آن رئیس‌جمهور برای مدت پنج سال انتخاب می‌شود و یک فرد بیش از دوبرابر نمی‌تواند رئیس‌جمهور شود، در سال ۲۰۰۰ برای سومین بار ریاست جمهوری خود را تثبیت کرد. او حتی تلاش می‌کرد که برای بار چهارم رئیس‌جمهور شود. همچنین او تلاش کرد که کشور را از نظام ریاست‌جمهوری به پارلمانی تبدیل کند تا از راه حزب دخترش برمت که بیشتر آرای انتخابات را به‌دست آورده بود، همچنان قدرت سیاسی را در اختیار داشته باشد. وی مفادی از قانون اساسی را که جان و مال رئیس‌جمهور را پس از پایان دوره ریاست جمهوری تضمین می‌کند، تغییر داد.

نقش و نفوذ همسر عسگر آقایف (مریم آقایف)، دختر بزرگ او (برمت)، شوهرش (عادل) و پسر آقایف (حیدر) در ساختار سیاسی اقتصادی جمهوری قرقیزستان آشکار بود. این افراد از سازمان امنیت و رسانه‌ها گرفته تا فرودگاه و تجارت و غیره را در اختیار داشتند (ملکووتیان، ۱۳۸۶: ۲۵۲). رزا آتانابایوا رهبر حزب پدری، ابراز تأسف خود را از این رویدادها این‌گونه بیان کرد: «امروزه تجارت خانواده رئیس‌جمهور در کشور شکوفا شده است. ما رئیس‌جمهوری داریم که بستگانش را در بالاترین مقام‌ها منصوب می‌کند» (Doten, 2007: 3). مشکلات اقتصادی یکی از دلایل گسترش روی‌آوردن به مواد مخدر، فحشا و قاچاق زنان به خارج از

1. Bahadra Kumar

جمله امارات متحده عربی است. در این زمینه، جمهوری قرقیزستان در آسیای مرکزی رتبه نخست را دارد.

۲. بسترها و زمینه‌های منطقه‌ای

رهبران آسیای مرکزی که در همسایگی افغانستان قرار گرفته‌اند، تأثیرپذیری بسیاری از تحولات داخلی این کشور را تجربه کرده‌اند. پیوندهای امنیتی جدی در میان تحولات داخلی تاجیکستان و افغانستان آشکار شده است (سوری، ۱۳۸۶: ۲۹). نبود یک قدرت مرکزی منسجم در افغانستان سبب گسترش مواد مخدر به این کشور شد و نارضایتی مردم را از دولت عسگری آقاپ بیشتر کرد. همچنین قاچاق سلاح نیز بیشتر شد. این عوامل سبب‌ساز احساس ناامنی و وحشت در بین مردم به‌ویژه مردم جنوبی شد که از نظر اقتصادی نسبت به مردم شمال در وضعیت بدتری قرار گرفته بودند.

۳. بسترها و زمینه‌های جهانی

فردریک استار^۱، مدیر مؤسسه آسیای مرکزی و قفقاز در مدرسه عالی بین‌المللی تحقیقات دانشگاه هاپکینز^۲ می‌گوید: ایالات متحده آمریکا خواستار دخالت فعال در زمینه استقرار اصول مردم‌سالاری و رشد اقتصادی است تا این منطقه را برای کشورهای مستقل منطقه‌ای امن سازد (Kukeyeva, 2006: 93-94). جمهوری قرقیزستان نمی‌خواست که آمریکا پس از رویداد ۱۱ سپتامبر از پایگاه‌هایش استفاده کند. دیدگاه وال استریت ژورنال^۳ در مورد تحول جمهوری قرقیزستان از نظر نزدیکی این روزنامه به محافل دولتی ایالات متحده آمریکا و نقش این کشور در انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان را چنین ترسیم می‌کند: جمهوری قرقیزستان جایگاه خود را در نمایش مردم‌سالاری و آزادی با رهبری بوش به‌دست آورده است (بینگول، ۱۳۸۴: ۲۱۱-۲۱۲). اعلام منطقه دریای خزر در سال ۱۹۹۷، به‌عنوان منطقه منافع راهبردی ایالات متحده آمریکا، نشان‌دهنده اهمیت این منطقه برای واشنگتن است. در مجموع، آمریکا تلاش کرده است تا از راه تقویت سازوکارهای اقتصادی منطقه، گسترش روند انتقال انرژی از شرق به غرب و ارائه

1. Frederick Starr
2. Hopkins University School of International Studies
3. The Wall Street Journal

کمک برای حل منازعات در جهت منافع ملی اقدام کند. استروپ تالبوت^۱، معاون وزیر امورخارجۀ آمریکا می‌گوید: «هدف ایالات متحده آمریکا از کمک به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به وجود آوردن بازار آزاد از راه برطرف ساختن موانع قانونی، تشویق شرکت‌های خصوصی برای پیشبرد اصلاحات اقتصادی، محو تمرکزگرایی و نیز کمک به این کشورها برای پیوستن به جامعه آزاد است» (حاتمی، ۱۳۸۲: ۱۲۸-۱۲۷). روزنامه چینی «اطلاعات اقتصادی» نوشته است که راهبرد آمریکا مبتنی بر نفوذ داخلی در پنج جمهوری اتحاد شوروی در آسیای مرکزی، با استفاده از ابزار سازمان‌های مردم‌نهاد است (ابوالکازین، ۱۳۸۴: ۱۸۶).

طراحی و هدایت فعالیت‌های امنیتی از راه سازمان‌ها و نهادهای غیرحکومتی کند، نقش رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی برای تهییج افکار عمومی و عملیات پنهانی برای هدف‌های امنیتی از ویژگی‌های رفتاری آمریکا در این کشورها است. شایان توجه اینکه همه این الگوها در شرایطی کارآمد و مطلوب خواهند بود که همدیگر را تکمیل کنند (پوستین‌چی، ۱۳۸۹: ۴۴). کمک‌های آمریکا بر مبارزه با فساد متمرکز بود و تلاش می‌کرد تا برای حاکمیت قانون و گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد و نظارت بر انتخابات و مردم‌سالاری برنامه‌هایی داشته باشد (Woehrel, 2005: 9). آمریکا زمانی از انقلاب در جمهوری قرقیزستان و براندازی عسگر آقایف حمایت می‌کرد که استروپ تالبوت معاون وزیر امورخارجۀ آمریکا، عسگر آقایف را «توماس جفرسون قرقیزستان» نامیده است (بینگول، ۱۳۸۴: ۲۱۰).

چین و فدراسیون روسیه به وجود آمدن انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان را توطئه‌ای از سوی آمریکا می‌دانستند؛ به‌ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر، آمریکا به بهانه عملیات علیه طالبان و القاعده پایگاه‌های متعددی در این جمهوری ایجاد و به شکل عملی در امور داخلی آنان دخالت می‌کرد (عسگری، ۱۳۸۴: ۹۳). این نگرانی را می‌توان در بیانیه اعضای شانگهای در سال ۲۰۰۵ به نام ائتلاف احزاب ضدتروریستی مشاهده کرد. چین و فدراسیون روسیه انقلاب رنگی را صف‌آرایی جدید و به‌روز شده جنگ سرد می‌دانند. از نظر چینی‌ها سازمان‌های مردم‌نهاد مانند اسب تروایی است که هدف‌های غربی‌ها را برآورده می‌کند (Wilson, 2010: 2).

بوش، رئیس‌جمهور آمریکا در ۱۸ مه ۲۰۰۵ در بیانیه‌ای در انستیتو بین‌المللی جمهوری‌خواهان^۲ اعلام کرد: «ما می‌توانیم ناظر ظهور نسل جدیدی از افرادی باشیم که تمایل

1. Stroop Talbot
2. The International Republican Institute

به آزادی در قلب‌هایشان سوخته و یا آن‌هایی که خواستار آزادی هستند. بر ما لازم است که برای کمک به کشورهایی که به حمایت از آزادی خود و راهبرد عملیشان در جهت کمک به رفع دستاوردهای مردم‌سالاری جوانشان نیاز دارند، سیاست واقع‌گرایانه‌ای به کار گیریم» (Kukyeveva, 2006: 86). امکانات نوین ارتباطی قدرتی نامحسوس و تأثیرگذار در شکل‌گیری تحولات و سازمان‌های مخالفان و سرعت عمل آن‌ها یکی از بازیگران اصلی انقلاب شناخته شده است. کارکرد مهم آن‌ها بر افکار عمومی، بسیج مردم بر ضدحکومت و تبدیل نیروهای مردمی به نیروهای اجتماعی و مدنی با ارائه الگوهای رفتاری و هنجاری یکسان در کشورهایی که انقلاب رنگی در آن‌ها رخ داده بود (Anable, 2005: 419-420). برای نمونه شبکه الجزیره در سایت اینترنتی خود در مورد انقلاب‌های رنگی و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد آمریکا و ارتباط آن با مخالفان در کشورهای مختلف می‌نویسد: انقلاب‌های مردمی که برای ترویج مردم‌سالاری در اوراسیا و خاورمیانه رخ می‌دهند، به وسیله سازمان‌های مردم‌نهاد مانند آژانس کمک‌های توسعه آمریکا^۱ و صندوق ملی برای دموکراسی^۲ هدایت می‌شوند که این دو سازمان با سازمان‌های جاسوسی در ایالات متحده ارتباط ویژه‌ای دارند (ایزدی، ۱۳۸۵: ۱۹۳).

سازمان‌های مردم‌نهاد در جمهوری قرقیزستان

از اوایل دهه ۱۹۹۰ سازمان‌های مردم‌نهاد جمهوری قرقیزستان در حال رشد هستند. به گونه‌ای که تخمین تعداد دقیق این سازمان‌ها از منبعی به منبع دیگر متفاوت است. به گفته برخی منابع، بیش از ۸۰۰ سازمان مردم‌نهاد بین سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۱ پدید آمده بود و تا پایان سال ۲۰۰۰ نزدیک به ۳۰۰۰ و در سال ۲۰۰۲ بیش از ۴۰۰۰ سازمان مردم‌نهاد در وزارت دادگستری ثبت نام کرده‌اند (Kuchukeeva, 2003: 568). هدف سازمان‌های مردم‌نهاد حقوق‌بشر در انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان تبلیغات منفی در رسانه ملی بود (Goldstein, 2008: 3). عسگر آقایف در هیئت رئیسه شورای عمومی امنیت دموکراتیک، به فرمانداران و شهرداران برای در امان ماندن جمهوری قرقیزستان در برابر تهدید انقلاب گفت: «رسانه‌هایی هستند که مردم را به سوی انقلاب دعوت می‌کنند و ما باید با استفاده از نشریاتی که طرفدار دولت هستند با آن‌ها مقابله

1. America Development Assistance Agency (VSAIP)
2. National Endowment for Democracy (NED)

کنیم و صلح و آرامش را به جمهوری قرقیزستان بازگردانیم. این رسانه‌ها متأسفانه با کمک منابع مالی بین‌المللی مردم را تقسیم‌بندی می‌کنند و جنبش‌هایی را ایجاد می‌کنند که ما نیازی به آن نداریم» (Herd, 2005: 10).

تسلط آمریکا بر سازمان‌های مردم‌نهاد جمهوری قرقیزستان حتی قبل از اقدام‌های این کشور در اوکراین بود. حداقل ۱۷۰ سازمان مردم‌نهاد در گسترش و ترویج مردم‌سالاری با حمایت آمریکایی‌ها به فعالیت متهم شدند. فیونا آدامسون^۱ در زمینه کمک به مردم‌سالاری در جمهوری قرقیزستان پژوهشی انجام داده است که بنابر آن، سازمان‌های مردم‌نهاد محلی به‌صورت تقریبی ۱۰۰ درصد از بودجه دریافتی خود را از بازیگران بین‌المللی دریافت می‌کنند و این اهداکنندگان کمک‌های مالی، آنان را به سوی هدف‌های خود هدایت می‌کنند (Rushdie, 2006: 9). در اینجا به چند مورد از سازمان‌های مردم‌نهاد جمهوری قرقیزستان که در بروز انقلاب رنگی در این کشور مؤثر بوده‌اند، اشاره می‌کنیم:

۱. شبکه تقویت جامع محلی قرقیزستان: این شبکه در سال ۲۰۰۳ به‌عنوان شبکه گروه ملی در راستای طرحی از سوی مؤسسه بانک جهانی^۳ آسیای مرکزی تعیین شد. هدف اصلی این شبکه، هماهنگی و تبادل تجربه بین سازمان‌های کار با جوامع محلی است (Buxton, 2009: 49).
۲. انجمن اجتماعی مبارزه با فساد: این انجمن به ظاهر از «بنیاد ملی دموکراسی» - که یک سازمان دولتی آمریکایی با پیوندهای گسترده با اتحادیه تجاری عامل سرنگون‌کننده حکومت‌های مخالف واشنگتن است - ایجاد شده است. قبل از انقلاب رنگی در جمهوری قرقیزستان، تولکان اسماعیلوف^۴، رئیس انجمن اجتماعی مبارزه با فساد، مقاله‌ای در مورد روش‌های انقلاب که جهت سرنگونی دولت‌های اوکراین، گرجستان و صربستان به‌کار گرفته شده است به زبان قرقیزی ترجمه کرد. این مقاله در جمهوری قرقیزستان از طرف سازمان دموکراسی، کار و حقوق بشر وابسته به وزارت امور خارجه آمریکا چاپ شد (بینگول، ۱۳۸۴: ۲۱۴-۲۱۲).

1. Fiona Adamson
 2. Community Empowerment Network of Kyrgyzstan (CEN)
 3. World Bank Institute (WBI)
 4. Community Forum on Fighting Corruption
 5. Toilekan Ismailov

سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در انقلاب رنگی

تأمین مالی انقلاب رنگی در جمهوری قرقیزستان از راه بنیاد سورس، سازمان امنیت و همکاری در اروپا و آمریکا با هدف استفاده سازمان‌های مردم‌نهاد مانند خانه آزادی، مؤسسه ملی دموکراسی، مؤسسه بین‌المللی جمهوری‌خواه و نیز مأموریت‌های دیپلماتیک که از راه آمریکا در بیشکک طراحی می‌شد، صورت گرفته است (Herd, 2005: 4). از سازمان‌های مردم‌نهاد فعال و تأثیرگذار در روند انقلاب‌های رنگی، بنیاد آمریکایی «کمک ملی به دموکراسی» است که مرکز نظریه‌پردازی باورهای افراطی نومحافظه‌کاران است و در دوره نخست ریاست جمهوری رونالد ریگان^۱، به وسیله کنگره ایالات متحده آمریکا تأسیس شد. ریاست هیئت مدیره آن را مادلین آلبرایت^۲، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا بر عهده دارد. بنیاد کمک ملی به دموکراسی^۳، سازمانی غیرانتفاعی، مردم‌نهاد و فراجناحی است که هدف آن تقویت نیروها، جریان‌ها و سازمان‌های دموکراسی در جهان است. این بنیاد، چهار مؤسسه دموکراتیک ملی برای امور بین‌المللی^۴ وابسته به غرب دموکرات، مرکز بنگاه‌های خصوصی بین‌المللی^۵ وابسته به به اتاق بازرگانی آمریکا، اتحادیه تجارت آزاد^۶ وابسته به جنبش کارگری و مؤسسه بین‌المللی جمهوری‌خواه وابسته به حزب جمهوری‌خواه را زیر نظر دارد (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۲۰۹-۲۰۵).

هدایت مؤسسه بین‌المللی جمهوری‌خواهان در دست سناتور جان مک کین^۷ است. نمایندگی اینترنتی^۸ در جمهوری قرقیزستان با حمایت مالی این بنیاد، طرحی را با عنوان «حمایت از نشریات و رسانه‌های گروهی جنوب جمهوری قرقیزستان» اجرا می‌کنند. این برنامه در راستای حمایت از نشریات و رسانه‌های گروهی مستقل برای دفاع از حقوق خود در مقابل فشارها و انتقادات، اطلاع‌رسانی و آگاه‌ساختن روزنامه‌نگاران از حقوق و وظایفشان براساس قوانین جمهوری قرقیزستان و کمک به همه کسانی است که در کارهای روزمره خود با موانع قانونی و غیرقانونی روبه‌رو هستند. در همین زمینه، مؤسسه ابتکار دموکراسی و حقوق بشر اروپا^۹، در سال ۱۹۹۴ تأسیس شده است. هدف این مؤسسه کمک به گسترش و پیشبرد

1. Ronald Reagan
2. Madeleine Albright
3. National Endowment for Democracy Assistance
4. National Democratic International Affairs
5. Center for International Private Enterprises
6. Free Trade Union
7. John McCain
8. Internews
9. Institute for Democracy and Human Rights Initiative Europe

مردم‌سالاری و حقوق بشر و پیشگیری از بروز مناقشات در سه کشور قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان از راه حمایت و پشتیبانی مالی از طرح‌ها و برنامه‌هایی است که در زمینه تأمین و رسیدن به هدف‌های یاد شده است.

اوراسیانت^۱ مطالب و گزارش‌های خبری و تحلیلی مربوط به رویدادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و وضعیت محیط‌زیست کشورهای اوراسیای مرکزی^۲ و قفقاز و نیز فدراسیون روسیه، خاورمیانه و کشورهای آسیای جنوب‌غربی را چاپ و منتشر می‌کند. اوراسیانت با همکاری مؤسسه جامعه^۳ باز^۳ در چارچوب طرح و برنامه‌ای با عنوان اوراسیای مرکزی در منطقه فعالیت می‌کند. هدف این طرح ارائه اخبار و آگاهی‌های مربوط به مسئولان و دست‌اندرکاران مربوطه و تلاش در جهت افزایش توجه افکار و محافل اجتماعی به منطقه است.

خانه آزادی^۴، سازمانی محافظه‌کار است که از سوی آمریکا تأمین مالی می‌شود. این سازمان سازمان تلاش می‌کند تا با کمک‌های اقتصادی و نوع‌دوستانه در سرتاسر دنیا، حمایت از هدف‌های سیاست خارجی آمریکا را فراهم سازد. براساس گزارش‌های موجود از سال ۲۰۰۳، جیمز ولسی^۵، رئیس سازمان سیا بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵، مشاور بسیاری از مؤسسات نومحافظه‌کار و رئیس خانه آزادی بوده است. یکی دیگر از سازمان‌های مردم‌نهاد، مؤسسه جامعه باز و شبکه بنیاد سورس است. جورج سورس میلیاردر معروف آمریکایی - یهودی و بنیانگذار مؤسسات زنجیره‌ای سورس در جهان است (عسگری، ۱۳۸۴: ۹۸). برای نخستین بار در سال ۱۹۹۷ و در جریان بحران ورشکستگی مالی و اقتصادی کشورهای جنوب‌شرق آسیا نام بنیاد سورس بر سر زبان‌ها افتاد. در این بحران بیشتر کشورهای عضو آسه‌آن^۶ به‌ویژه اندونزی و مالزی در نتیجه اقدام‌های که سورس انجام داده بود، ضرر کردند (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۳). هدف‌های اصلی این بنیاد انجام فعالیت‌های گسترده فرهنگی در کشورهای درحال‌گذار با عنوان ترویج مردم‌سالاری و امور خیریه با هدف سوق‌دادن آن‌ها به کشورهای دارای فرهنگ غربی و ترویج فرهنگ غرب با اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی، علمی و هنری در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و کمک مالی به آن‌ها برای جذبشان است (عسگری، ۱۳۸۴: ۹۸).

1. Eurasianet
2. Central Eurasia
3. Open Society
4. Freedom House
5. James Woolsey
6. Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)

عملکرد بنیاد سورس به این شکل است که این سازمان در مرحله نخست به برپایی یک مرکز مطالعاتی در کشورهای مختلف می‌پردازد. سپس با ارزیابی مخالفان دولت مرکزی و حمایت از نشریات مخالف دولت، زمینه را برای انقلابی آرام و برانداختن حکومت فراهم می‌سازد. یکی دیگر از سازمان‌های غیرانتفاعی که نقش مهمی در آموزش مخالفان و ترویج شیوه‌های براندازی نرم ایفا کرده است، مؤسسه آلبرت اینشتین^۱ است. این مؤسسه که در سال ۱۹۸۳ به وسیله جین شارپ^۲ تأسیس شد، برای پیشبرد مطالعه درباره استفاده از «راهبرد عمل غیرخشونت‌آمیز» در سراسر جهان فعالیت می‌کند. این مؤسسه، هدف اصلی خود را «فهم پویایی عمل غیرخشونت‌آمیز در منازعات» تعریف کرده و برای نمایش نیروی بالقوه خود باهدف برقراری ارتباط، از راه نشریات و سایر رسانه‌ها، ترجمه‌ها، همایش‌ها، مشاوره‌ها و کارگاه‌های مختلف عمل می‌کند.

از دیگر مراکز و مؤسسات مهمی که در آموزش روش‌های براندازی نرم و همچنین تقویت و پشتیبانی از انقلاب‌های رنگی فعالیت داشته است؛ می‌توان به مرکز بین‌المللی منازعه غیرخشونت‌آمیز^۳ اشاره کرد که در شهر واشنگتن دی‌سی قرار دارد. ریاست مرکز بین‌المللی منازعه غیرخشونت‌آمیز بر عهده پیتراکرمین^۴ است. آژانس توسعه بین‌المللی ضمن حمایت از سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در جمهوری قرقیزستان، ایجاد زمینه و شرایط برای شرکت فعال شهروندان این جمهوری در بهبود وضعیت و شرایط زندگی و رفاه جامعه قرقیزستان را به‌عنوان یکی دیگر از هدف‌های خود پی‌ریزی و دنبال کرده است.

نتیجه

انقلاب‌های رنگی به دلیل آرام و بدون خشونت بودن به این نام خوانده می‌شوند. این انقلاب‌ها مانند انقلاب‌های کلاسیک، رهبری واحد نداشتند و مردم این کشورها در زمان انقلاب از یک رنگ خاص به‌عنوان نماد استفاده می‌کردند. تمامی این انقلاب‌ها در پی انتخابات و به بهانه تقلب در آن، شکل می‌گرفت. در تمام این کشورها شعارهایی یکسان سربرآوردند و بعد از

-
1. Albert Einstein Institute
 2. Gene Sharp
 3. The International Centre on Nonviolent Conflict
 4. Peter Ackerman

گذشت چندین سال دوباره، مردم در پی تقلب در انتخابات به خیابان‌ها ریختند و همان افرادی را که چند سال پیش بر سر کار آورده بودند، برکنار کردند. البته شاید به این سبب است که این جوامع در حال‌گذار هستند و هنوز نتوانستند دولت - ملت تشکیل دهند. درست زمانی که همه کشورهای به‌سوی جهانی‌شدن حرکت می‌کردند، این کشورها به‌دنبال دستیابی به ملی‌گرایی بودند. البته می‌توان به نبود زیرساخت‌های لازم در این جوامع هم اشاره کرد. انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان براساس یکسری عوامل داخلی و خارجی روی داد. از عوامل داخلی می‌توان به فساد و ناامنی در جامعه و بی‌اعتمادی مردم نسبت به دولت و از عوامل خارجی به نقش و حضور کشورهای دیگر در منطقه و در کشور اشاره کرد. سازمان‌های مردم‌نهاد مجموعه‌ای از افراد هستند که به‌صورت ارادی دور هم جمع می‌شوند و به‌دنبال دستیابی به قدرت سیاسی نیستند. این سازمان‌ها به‌صورت آشکار بعد از جنگ دوم جهانی پدید آمدند؛ ولی در واقع خیلی پیش‌تر از آن وجود داشتند. تأثیر و نفوذ این سازمان‌ها بر انقلاب‌های رنگی به‌ویژه انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان بسیار مهم است. به‌ویژه می‌توان به سازمان‌های مردم‌نهاد آمریکایی که بیشتر رهبران آن‌ها دولت‌مردان آمریکا هستند، اشاره کرد. این سازمان‌ها با استفاده از رسانه‌های گروهی و کمک‌های مالی خود، در به‌کارگرفتن نفوذ و تحریک افکار عمومی مردم تلاش می‌کردند. این سازمان‌ها به سازمان‌های مردم‌نهاد جمهوری قرقیزستان نیز خط مشی فکری می‌دادند و آنان را به‌سوی خواسته‌های خود فرا می‌خواندند.

توجه به تجربه این کشورها در ماجرای انقلاب رنگی و تأثیری که سازمان‌های مردم‌نهاد در بسیج و فراخوان مردم در براندازی نظام موجود انجام دادند، کشورهای منطقه را به این فکر انداخت که به‌دنبال کاهش و نابودی قدرت این سازمان‌ها برآیند. کشورهای منطقه تلاش کردند تا به‌شکل صوری به مردم خود کمی آزادی بدهند؛ البته نه آن‌گونه که قدرت نفوذ مردم بیشتر شود. آنان اصلاحات در قانون اساسی خود را شروع کردند. از کارهای دیگری که بعد از انقلاب‌های رنگی صورت گرفت، نزدیکی این کشورها به ایالات متحده آمریکا به‌عنوان حافظ منافعشان بود.

در این بین می‌توان به نظر برخی از موافقان و مخالفان تشکیل و کمک به سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره کرد. موافقان، سازمان‌های مردم‌نهاد را سبب‌ساز تحرک سیاسی و حضور فعال مردم در عرصه‌های سیاسی کشور و حرکت به‌سوی مردم‌سالاری می‌دانند. مخالفان به

وابستگی، ضعف، دخالت بیگانگان و لیبرالیزه‌شدن کشور اشاره می‌کنند. زمینه‌سازی در بستر اجتماع برای گسترش مردم‌سالاری، تقویت همکاری‌های سیاسی و مبارزه با اقتدارگرایی، کمک‌های مالی، فکری، آموزشی و سیاسی، مبارزه با فساد و مواد مخدر، تشویق به همکاری سیاسی مردم در عرصه‌های انتخاباتی، پل ارتباطی بودن بین مردم و مسئولان، نفوذ در عرصه بین‌المللی، حمایت از خواسته‌های مردم یک کشور و به‌دست‌آوردن اعتبار در بین جوامع مختلف، کارهایی است که می‌توان با کمک سازمان‌های مردم‌نهاد انجام داد. با کمک این سازمان‌ها می‌توان برای به‌دست‌آوردن قدرت تلاش کرد و یا راهی برای حفظ قدرت پیدا کرد.

منابع

الف) فارسی

۱. ابوالکازین، رزولدیزبیک و آکس دانیلوویچ (۱۳۸۴)، «انقلاب‌های رنگین: علل و انگیزه‌های واقعی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۴، دوره چهارم، شماره ۵۱، صص. ۲۰۶-۱۸۵.
۲. احمدی، حسین (۱۳۸۵)، تحولات منطقه‌ای ویژه قفقاز، تهران: نشر تاریخ معاصر ایران.
۳. اطهری، اسدالله (۱۳۸۱)، «سازمان‌های غیردولتی در دورنمای توسعه»، مطالعات استراتژیک خاورمیانه، شماره ۳۰، صص. ۲۳۴-۲۱۹.
۴. ایزدی، جهانبخش (۱۳۸۵)، «بازگفت: تحلیلی بر انقلاب رنگی: چگونگی مواجهه با ایران»، راهبرد یاس، شماره هشتم، صص. ۲۰۴-۱۸۳.
۵. بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، آموزش دانش سیاسی، چاپ سوم، تهران: نشر نگاه معاصر.
۶. بهمن، شعیب (۱۳۸۸)، انقلاب‌های رنگی و انقلاب اسلامی ایران، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۷. بینگول، ایلماز (۱۳۸۴)، «انقلاب رنگی قرقیزستان: تغییر دمکراتیک یا رقابت جهانی؟»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۴، دوره چهارم، شماره ۵۱، صص. ۲۰۷-۲۱۶.
۸. پوستینچی، زهره (۱۳۸۹)، «ابزارها و فرایندهای انقلاب‌های رنگی»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۱۳، شماره ۴۶، صص. ۳۱-۶۲.
۹. حاتمی، تورج (۱۳۸۲)، برخورد منافع روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: نشر خورزن.
۱۰. ساعی، احمد (۱۳۸۵)، مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم، چاپ هشتم، تهران: نشر سمت.
۱۱. سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، تهران: نشر سمت.
۱۲. سوری، امیرمحمد (۱۳۸۶)، «واکاوی انقلاب‌های رنگی»، فصلنامه اوراسیای مرکزی، سال سوم، شماره نهم، صص. ۲۸-۳۱.
۱۳. عسگری، حسن (۱۳۸۴)، «نقش بازیگران خارجی در انقلاب رنگی: مورد انقلاب رز گرجستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۴، دوره چهارم، شماره ۵۱، صص. ۸۶-۱۱۶.
۱۴. عمید، حسن (۱۳۷۳)، فرهنگ عمید، چاپ ۱۶، تهران: نشر امیرکبیر.
۱۵. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴)، نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی، تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.
۱۶. کلایو اسمیت، برایان (۱۳۸۰)، فهم سیاست جهان سوم نظریه‌های توسعه و دگرگونی سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی و محمدسعید قاننی‌نجفی، تهران: نشر وزارت امور خارجه.

۱۷. کولایی، الهه (۱۳۸۹)، افسانه انقلاب‌های رنگی، تهران: نشر میزان.
۱۸. گلشن‌پژوه، محمودرضا و فردین خرازی و حسین سپهر (۱۳۸۶)، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی حقوق‌بشری و نقض حقوق‌بشر در کشورهای غربی، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۹. متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «جنگ نرم، انقلاب‌های رنگی و دیپلماسی عمومی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸، صص. ۱۱۷-۱۴۶.
۲۰. متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «نشانه‌شناسی و تبارشناسی انقلاب‌های رنگی»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۱۳، شماره ۴۶، صص. ۸-۲۹.
۲۱. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۶)، «انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز و تمایز آن‌ها از انقلاب‌های واقعی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، شماره چهارم، صص. ۲۵۷-۲۳۹.

ب) انگلیسی

1. Anable, David (2005), Role of Georgia s Media-and Western Aid-in The Rose Revolution **Irina Kobrinskaya**, Vol. 19, No. 375, pp. 407-434.
2. Baev, Pavel K. (2011), A Matrix for Post-Soviet Color Revolutions : Exorcising The Details **Peace Research Institute Oslo (PRIO)**, Vol. 14, No. 2, pp. 3-22.
3. Buxton, Charles (2009), NGO Network in Central Asia and Global Civil Society: Potentials and limitations **Central Asian Survey**, Vol. 28, No. 1, pp. 43-58.
4. Derluguian, Georgi (2010), The Color Revolutions Betrayed **Northwestern University**, No. 100, pp. 1-6.
5. Doten, Chris (2007), Color Evolution: NGOs and Unite for Change in Kyrgyzstan Oligarchs **The Fletcher School Journal for Issues Related to Southwest Asia and Islamic Civilization**, Vol. 5, No. 3, pp. 1-12.
6. Engdahl, F. William (2010), Kyrgyzstan s Roza Revolution - Cui Bono? Washington, Moscow, Beijing and the Geopolitics of Central Asia **Political Analysis**, Vol. 47, No. 5, pp. 1-11.

7. Goldstein, Jeff (2008), The Human Rights Situation in Central Asia , **Testimony Prepared for the Asia, Pacific and Global Environment Subcommittee of the House Foreign Affairs Committee**, Vol. 14, No. 2, pp. 1-5.
8. Herd, Graeme P. (2005), Colorful Revolutions and The CIS ,**Problems of Post-Communism**, Vol. 14, No. 3, pp. 3-18.
9. Kennedy, Michael D. (2009), A Public Sociology of Emerging Democracies: Revolution, Gender Inequalities, and Energy Security ,**Weiser Center for Emerging Democracies University of Michigan**, Vol. 28, No. 1, pp. 1-29.
10. Kuchukeeva, Altinay and John O Loughlinl (2003), Civic Engagement and Democratic Consolidation in Kyrgyzstan ,**The University of Colorado, Washington DC**, Vol. 78, No. 23, pp. 557-587.
11. Kukeyeva, Fatima (2006), Color Revolutions in The Central Asia and The U.S Position **Taiwan International Studies Quarterly**, Vol. 2, No. 2, pp. 81-96.
12. Polese, Abel (2008), Russia, the U.S, The Others and The 101 Things to Do to Wine a (Color) Revolution : Reflections on Georgia and Ukraine , **University of Edinburgh, Institute of Geography**, Vol. 5, No. 3, pp. 1-23.
13. Rushdie, Salman (2006), Democratisation, NGOs and Color Revolution , **Published on Open Democracy**, Vol. 2, No. 2, pp. 1-12.
14. Spirova, Maria (2008), Corruption and Democracy The Color Revolutions in Georgia and Ukraine , **Taiwan Journal of Democracy**, Vol. 4, No. 2, pp. 75-90.
15. Tucker, Joshua A. (2007), Enough! Electoral Fraud, Collective Action Problems, and Post-Communist Colored Revolutions **Perspectives on Politics**, Vol. 5, No. 3, pp. 535-551.
16. Wilson, Jeanne L. (2010), Color Revolution: The View From Moscow and Beijing **Journal Of Communist Studied And Transition Politics**, Vol. 25, Nos. 2-3, pp. 369-395.
17. Woehrel, Steven (2005), Ukraine s Orange Revolution and U.S Policy **CRS Report for Congress (Order Code RL32845)**, Vol. 52, No. 2, pp. 1-14.